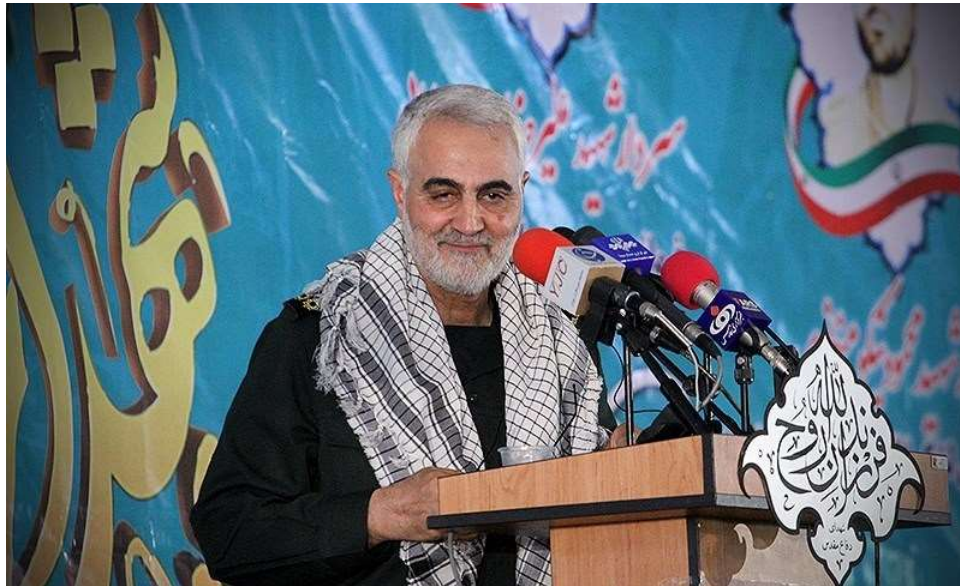


## سخنرانی هجدهم: یادوارهٔ عملیات رمضان (همدان: ۱۳۹۷)



متن کامل محوربندی شده سخنرانی سردار قاسم سلیمانی  
در یادوارهٔ عملیات رمضان  
(حسینیة امام خمینی(ره) شهر همدان، ۴ مرداد ۱۳۹۷)

محورهای سخنرانی سراد در سلیمانی  
در یادواره عملیات رمضان  
(همدان: ۱۳۹۷)



مصورسازی متن و کلیدواژگان پرتکرار سخنرانی



## مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالسَّلَامُ وَالصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَى آلِهِ آلِ اللَّهِ.  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَيْنا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا ان هَدَيْنا اللَّهُ.

همه با هم به احترام این بزرگوارانی که در جلسه حضور دارند ادای احترام می کنیم:  
السلام علیکم یا انصار دین الله السلام علیکم یا انصار رسول الله السلام علیکم یا انصار امیرالمؤمنین  
السلام علیکم یا انصار فاطمه الزهراء سیده نساء العالمین السلام علیکم یا انصار ابی محمد الحسن بن  
علی الزکی الناصح الامین السلام علیکم یا انصار ابی عبدالله.

پیشاپیش از همه شما مردم شهیدپرور عذرخواهی می کنم اگر اطالۀ کلام داشتیم. خصوصاً سروران و  
عزیزان علما و روحانیون به ویژه حضرت آیت الله محمدی که با جملات خود ما را شرمنده کردند.  
خانواده های معظم و معزز شهدا، همسران، پدران و فرزندان شهدا در اینجا حضور دارند.

اولاً این نکاتی که در فرمایشات حضرت آیت الله محمدی بیان شد و همچنین اشعار و بیاناتی که در  
وصف این حقیر گفته شد، ما باید دعا کنیم که خداوند بزرگ عاقبت آخرت ما را ختم به خیر کند.  
وقتی معصوم می فرماید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ.

تکلیف ما به عنوان یک آدم عادی روشن و مشخص است.

نکته دوم حقیقتاً در همه ابعاد فقیرالی الله هستیم، هم در ابعاد فردی و هم در ابعاد عملکرد و کاری  
فقیر هستیم. خداوند ان شاء الله جایگاه امام، تعالی است متعالی گرداند و همه ما که در جایگاه  
مسئولیت قرار داریم، به ما این فرصت را داد تا بتوانیم در خدمت مردم باشیم. این اجتماع بسیار  
باشکوه و ارزشمند است من به حضور در آن افتخار می کنم و از دوستان به خاطر دعوت این حقیر  
تشکر می کنم. البته حتماً این کار با پشتوانۀ امام جمعه محترم و مسئولین محترم استان صورت  
گرفته است. من افتخار می کنم که در این جمع و اجتماع حضور دارم نه فقط به خاطر این که من را  
دعوت کردند، افتخار من از این بابت است به رغم قریب بیش از شهادت ۸۰۰۰ سرداران عزیز، امروز  
به بهانه شهادت این قهرمانان و مظلومان که به شهادت رسیدند و امروز در این اجتماع برای یاد این

عزیزان دور هم جمع شدیم و افتخار می‌کنم که در این روز مردم، خصوصاً جوانان و و برادران و خواهران ارجمند که در این مراسم حضور ارزشمندی پیدا کرده‌اند، من هم حضور دارم. استان همدان شهر دین و دیانت است. ما همدانی نیستیم اما توی این کشور زندگی می‌کنیم و شهرهای خود را و ویژگی‌های آنها را تک‌تک می‌شناسیم. از جمله ویژگی‌های شهر همدان دارالولایه و دارالعباده است. شهر علما و بزرگان برجسته است. شهر فلاسفه بزرگ است. شهر شعرای بزرگ است. همدان مفاخر بزرگ و سربلندی در درون خود دارد. همدان محور و مرکز تمدن ایران است. شهر نام‌آوران بزرگ شهید دیروز و امروز ما است. البته همه شهدا شاخص هستند. من عذرخواهی می‌کنم از پدر و مادر همه شهدا که نمی‌توانم اسم همه شهدا را بگویم و در اسم بردن از من کوتاهی سر زده، معذرت می‌خواهم برای همین به نمونه‌هایی اشاره می‌کنم. شهر سرداران شهیدی که شهیدان زنده دیروز بوده و شهیدان زنده امروز شدند.

### مسئولیت‌پذیری شهید همدانی

شهید همدانی کسی که خودش در مقطعی قافله‌سالار شهیدان بوده است در شهیدپروری نقش ارزنده‌ای داشته‌اند. شهید همدانی کسی بود که این حالت شهیدبودن و شهیدماندن را به مدت طولانی در خود حفظ کرد و فرصت را مغتنم شمرد و با ذکاوت راهی را پیدا کرده است و این راه را به تعبیر ما قاپید. این ذکاوت است این زرنگی است و خود را وارد این راه کرد و سربهدار این راه شد، ابوالفضل این راه شد. وظیفه حضرت عباس علیه السلام در کربلا دفاع از حرم انجام بود و برای دفاع از اهل بیت و خواهرش انجام وظیفه کرد. سردار همدانی هم این وظیفه را بر عهده گرفت و چقدر زیبا بر عهده گرفت و چقدر زیبا و پر افتخار به اتمام رساند و نگذاشت گرد جسارت و اهانت بر دامن بارگاه کبریایی حضرت زینب و حضرت رقیه سلام الله علیهما بنشیند. حسین همدانی، ابووهب معروف مقاومت عالم اسلامی است.

## توصیفی از شهدای شهر همدان

این شهر، شهر شهیدان بارز انقلاب است. شهر شهید شهبازی، شهر شهید حاج بابایی، شهید بزرگواری که با گردانش آمد و در عملیات رمضان در یک فضای بسیار گرمی و در یک جنگ بسیار سختی به عملیات پرداخت.

ما در دفاع مقدس کمتر به عملیات‌هایی که امکان توفیق در آنها پایین بود می‌پرداختیم. اما یکی از عملیات‌هایی که شبیه‌ترین عملیات به کربلا بود همین عملیات رمضان بود و از حماسه‌سازان آن عملیات، شهدای شهر همدان بودند به‌ویژه فرماندهان بزرگواری و شهیدان این شهر مانند شهید مظاهری و شهید حاج بابایی. شهید عزیز و پرآوازه دیگری که در جنگ مشهور بود و شهید بهمنی نام داشت و دیگر شهدای مخلص و عزیز مثل آن خلبان شهیدی که بعد از حادثه جانسوز و جانگداز نماز جمعه همدان سوار بر هواپیما شد و دنبال انتقام گرفتن از آنها بود.

حادثه نماز جمعه همدان حادثه‌ای بود که در تاریخ انقلاب اسلامی همانند نداشت. ما نمونه این را در جای دیگری نداشتیم. شهید دوران آن مرد بزرگواری که رفت و به شهادت رسید. شهر شهیدی که در بین شما بود و عطر آن را استشمام کردید و او دوتا یادگار در بین شما دارد: یک یادگار آن فرزندان عزیز این شهید هستند و یادگار دیگر آن نوشته این شهید است که اشک را بر چشم‌های امام جامعه اسلامی ما یعنی امام خامنه‌ای مد ظله العالی جاری ساخت. شهید خوش‌لفظ یا به تعبیر خودش خوش‌کردار، خوش‌رفتار، خوش‌بیان، خوش‌سیما، خوش‌گفتار، خوش‌کردار، بوده است و کتابی دارد و من این کتاب را خوانده‌ام و بارها گریه کرده‌ام و برای خود او نوشتم. بعد پیش من آمد و با التماس و با همان حال احتضار به سمت شهادتی که داشت می‌رفت. چون چند ماه بعد به شهادت رسید و التماس می‌کرد برای این‌که به سوریه برود تا به شهادت برسد. او خیلی زیبا و صادقانه و عارفانه و عامیانه بدون هیچ‌گونه چیزی از خود، همه خاطرات زیبای خودش را بیان کرد و این کتاب زیبای «وقتی مهتاب گم شد» را به چاپ رساند. در مهتاب وجود او پدیدار بود. این افتخار بزرگی برای همدان است و همه کشور ما را وادار به تعظیم در برابر همدان کرد. این یک منبر است. یک نوشته خوب، یک بیان خوب، یک گفتار خوب، به‌موقع و به‌جا، از یک منبر تأثیر آن بیش‌تر

است. خصوصاً این که این کتاب‌ها چاپ می‌شود و ترجمه می‌شود و به کشورهای مختلف فرستاده می‌شود.

## تأثیر فرهنگ دفاع مقدس در دیگر کشورها

من در کشور عراق دیدم که خیلی از آزادگان، سرنوشت و خاطرات این عزیزان را خوانده بودند. مثل کتاب «وقتی من زنده‌ام». یکی از شخصیت‌های عراق این کتاب را خوانده بود و گریه کرد و گفت: من این کتاب را با گریه خواندم. می‌گفت: باور نمی‌کردم که زنان و دخترانی در زندان بوده باشند و این‌گونه مقاومت کرده باشند و این از افتخارات بزرگ این شهر است و برای ما مهم است.

## خاطراتی از عملیات رمضان در دوران دفاع مقدس

این مجلس، مجلس شهدا است و محور آن هم شهدای عملیات رمضان است. البته ما در سالگرد حوادث گوناگون نسبت به این شهر هستیم. یکی از حوادث مهمی که این شهر هم در آن نقش داشته است عملیات مرصاد است. من اگر بخواهم کلام و حرف‌هایم را درباره فرماندهان و شهدای این عملیات خلاصه کنم به‌ویژه شهدای شهر همدان در یک جمله کوتاهی که مربوط به راه این شهیدان است، باید عرض کنم که شهادت شهید حاج‌بابایی و دیگر سرداران شهید عملیات رمضان و همین شهید خوش‌لفظ که در کتاب خودش از آن یاد کرد و درباره آن توضیح داده است. شاید این جمله و این بعد را آن ندیده باشد. چون او در یک بعد دیگر درگیر بود. در این نقطه‌ای که معروف به ابرویی بود، دو لشکر عراق که شامل لشکر ۶ و لشکر ۵ مکانیزه عراق با گردان‌های همدان و بچه‌های کرمان درگیر شدند. یک خاکریز عریان و بدون سنگر که اجساد مطهر شهدا در آن مملو بوده است، به طور کامل حفظ شد، و اگر حفظ نمی‌شد کل این دژ مرزی تا انتهای شلمچه و منطقه زید و همه نیروها و جبهه از بین می‌رفت و سقوط می‌کرد و همه این جبهه دچار یک مشکل اساسی می‌شد. آنها ایستادند مقاومت کردند و فداکاری کردند. بعضی از اجساد شهدا جا ماند. همین دو شهیدی که در جوارشان هستیم، متعلق به همان عملیات است. عملیات خیلی سخت و سنگینی بود. درود خداوند بر این شهیدان و درود خدا بر پدر و مادر این شهیدان که چنین فرزندان برومندی را در دامن خود پرورش دادند.

## تعریف و مفهوم شهادت

مجلس متعلق به شهدا است. من نه از باب این که توان این را داشته باشم در این مجلس صحبت کنم مثل زیارت نامه هایی که در ورودی حرم امامها و معصومین علیهم السلام خوانده می شود و همه به نوعی این زیارت نامه را می خوانند، شما بزرگواران مطالبی که بنده هم عرض می کنم، نقص های آن را ببینید و آنها را از وصف یک زیارت نامه شهدا از زبان بزرگان دینی ما بپذیرید.

آن چیزی که انسان از آیات قرآن استنباط می کند و آن مقداری که ما فهم می کنیم شهادت به معنای باختن و از دست دادن نیست، شهادت به معنای یافتن و به دست آوردن است.

مصدق آن هم همین آیه قرآن است که می فرماید: وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. (آل عمران: ۱۶۹) این آیه نشان می دهد که شهادت یافتن است و به دست آوردن است و باختن و از دست دادن نیست. دلیل شوق به شهادت در شهدای ما هم همین معرفت بود. شهادت به معنای هلاکت، یک تصور انحرافی است. شهادت به معنای جاوید بودن و پاینده بودن است.

## تعلق متعالی در انسان

یکی از دلایل حرکت شهید به سمت شهادت، تحرک شهید بود. اساساً همه انسانها دارای حرکت اند. هیچ انسانی بدون حرکت نیست. خاصیت انسان حرکت است و حرکت، منشأ آن تعلقات انسان است. تعلق انسان، انسان را وادار به حرکت می کند. حرکت، سر منشأ آن تعلق است، تعلق هم یک جایگاه مادی و منفی دارد و هم یک جایگاه مثبت و متعالی دارد. هرچقدر این تعلق متعالی باشد این حرکت و این جریان به سمت آن بیش تر می شود. شما در زندگی شهدا جستجو کنید و ببینید در وجود آنها چه جوششی وجود داشته است؟ چه بی قراری در آنها بوده است؟ یک حرکت عارفانه ای آنها را به این سمت می کشاند و دلیل آن هم یک هدف گذاری والا است. این هدف گذاری والا برای رسیدن به آن تعلق اساسی متعالی است که تمام وجود شهید را پر کرده است. اگر انسان وجود خودش را از محبت خدا پر کرده است، همه این وجود از محبت های دیگران تهی می شود. لذا همه ابعاد زندگی شخصی او تحت تأثیر این تعلق اساسی قرار می گیرد و او را بی قراری می کنند و به سمت خود می کشاند.



شهادت تعلقات آنها، تعلقات متعالی بوده است. در سطح عالی بود، الهی بود. برای رسیدن به خدا بود. به این دلیل که کسی نمی‌توانست. «کسی نمی‌توانست» به معنای این است که دل‌بستگی‌های دنیوی مثل دل‌بستگی‌های مثبت و مهم مثل پدر و مادر و فرزندان، مانع حرکت می‌شود. شهادت ما در بعد عاطفه، عاطفی‌ترین بودند. شما در این مجالس شهادت نگاه کنید در رفتار آنها، گفتار آنها و کردار آنها با همدیگر عاطفی‌ترین بودند اما به دلیل عظمت این تعلق، همه تعلقات دیگر را فدای این تعلق عظیم کردند. آن زنده شدن، جاوید شدن و پاینده شدن است. به تعبیر آن شهید:

ای خنک آن مرد کز خود رسته شد در وجود زنده‌ای پیوسته شد

وای آن زنده که با مرده نشست مرده گشت و زندگی از وی بجست

این زنده‌ای که زنده است اما مثل مرده است این همان تعلق پست است. این در مقابل آن شعر است که می‌گوید: ای خنک آن مرد که از خود رسته شد و در وجود، زنده و پاینده شد. این شهید است و آن زنده که با مرده نشست، مرده شد و زندگی از وی بجست. این حال ما است. وقتی انسان تعلقات خودش تعلقات پست می‌شود، مرده می‌شود.

### سیر و سلوک حضرت امام(ره) و شهدا

حضرت امام بعد از معصوم بی‌نظیر است. امام در بحث سیر و سلوک بی‌نظیر بود. این را من به جوانان می‌گویم. این که بحث تعلقات را می‌کنم، دنبال تعلقات پست نباشیم. همه ما راهی به یک سمت هستیم و این را توضیح می‌دهم. امام می‌فرماید: اوج بندگی در سیر و سلوک و در عالم معنویت، شهادت است. بندگی، بندگی خالصانه و عبودیت منجر به شهادت می‌شود.

شهید معنای حقیقی این موضوع است که بنده خالص و عبد خالص خدا است. این کلمه، کلمه هم‌تراز معصوم است. شما وقتی می‌خواهید در این پنج وعده یا هر سه وعده فریاد اذان را سر بدهید چه می‌گویید؟ اشهد ان محمدا رسول الله. امیرالمؤمنین علیه السلام به دلیل این که در اوج عبودیت بود، به مقام ولایت و امامت رسید. شهید دلیل شهادتش، عبودیت او است. من همه‌جا دیدم. فرزند شهید مفتوح را یادم رفت از او یاد می‌کنم. عذرخواهی می‌کنم از آن معلم بزرگ و انسان وارسته‌ای که

پل ارزشمندی بین دانشگاه و حوزه شد. تا حالا این پل به برکت خون او ساری و جاری است. برای شادی روحش صلوات بفرستید.

## تبعیت از خداوند، شرط اصلی شهادت

امام دلیل طلب شهادت را تبعیت می‌داند؛ یعنی تبعیت از خدا موجب طلب شهادت می‌شود. اگر این نباشد نمی‌تواند طلب شهادت کند، نمی‌تواند به سمت شهادت برود و از این پل نمی‌تواند عبور کند. این صراط قیامت که می‌فرمایند از مو نازک‌تر و از آتش سوزنده‌تر است و از شمشیر برنده‌تر است فقط در آن دنیا نیست در این دنیا هم هست و این، پل عبور از دنیای خود انسان است. این خیلی سخت‌تر از آن پل است که انسان بخواهد از آن عبور کند. این برنده است، این سوزنده است، این نازک‌تر است. شهید به دلیل آن تبعیت این طلب را می‌کند. در این نقطه طلب کردن یک توفیق است.

## استدلال شهادت در کلام امام(ره)

برای هر کسی و در هر جایی فرصت طلب کردن شهادت به وجود نمی‌آید. امام برای ما در استدلال شهادت نکاتی می‌فرمایند. به سمت شهادت و به استقبال شهادت رفتن خیلی مهم است. امام چه استدلالی می‌کند؟ امام استدلال عارفانه و آگاهانه‌ای دارد. امام می‌فرماید: ما از کجا آمده‌ایم؟ همه عالم از آن خدا است. همه عالم جلوه خدا است. همه عالم به سمت خدا روان است. بعد می‌فرمایند: اگر این است و اگر همه عالم جلوه خدا است و روان به سمت خدا است، پس بهتر است که این برگشتن، اختیاری و انتخابی باشد. چند نفر این قدرت را دارند که مرگ خود را اختیاری و انتخابی کنند؟

## شرحی بر حدیثی از امام سجاد علیه السلام

همه ما مصداق این کلام امام سجاد علیه السلام هستیم. یک کلام بسیار ارزشمندی است. این بخش از آن مهم است که روزانه می‌بینیم. همین الآن هم در این شهر صدها نفر در این حال هستند:

إِلَهِي كَيْفَ أَصْدُرُ عَنْ بَابِكَ بِخَيْبَةٍ مِنْكَ وَ قَدْ قَصَدْتَهُ عَلَى ثِقَةٍ بِكَ، إِلَهِي كَيْفَ تُؤَيِّسُنِي مِنْ عَطَائِكَ وَ قَدْ أَمَرْتَنِي بِدُعَائِكَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَرْحَمَنِي إِذَا اشْتَدَّ الْآلَيْنُ، وَ حَظِرَ عَلَيَّ الْعَمَلُ وَ انْقَطَعَ

مِنِّي الْأَمَلُ وَأَفْضَيْتُ إِلَى الْمُنُونِ، وَبَكَتْ عَلَيَّ الْعُيُونُ وَوَدَّعَنِي الْأَهْلُ وَالْأَحْبَابُ وَ حَثِيَّ عَلَى التُّرَابِ، وَ نَسِيَّ اسْمِي وَ بَلِيَّ جِسْمِي وَأَنْطَمَسَ ذِكْرِي وَ هَجَرَ قَبْرِي فَلَمْ يَزُرْنِي زَائِرٌ، وَ لَمْ يَذْكُرْنِي ذَاكِرٌ وَ ظَهَرَتْ مِنِّي الْمَائِمَةُ وَأَسْتَوَلَتْ عَلَيَّ الْمَظَالِمُ وَ طَالَتْ شِكَايَةُ الْخُصُومِ، وَ اتَّصَلَتْ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ صَلَّى اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَرْضِ خُصُومِي عَنِّي، بِفَضْلِكَ وَ إِحْسَانِكَ وَ جُدِّ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَ رِضْوَانِكَ إِلَهِي ذَهَبَتْ أَيَّامٌ لَدَاتِي، وَ بَقِيَتْ مَائِمِي وَ تَبِعَاتِي وَ قَدْ آتَيْتُكَ مُنِيباً تَائِباً فَلَا تَرُدَّنِي مَحْرُوماً وَ لَا خَائِباً، اللَّهُمَّ أَمِنْ رَوْعَتِي وَاعْفِرْ زَلَّتِي وَ تَبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

انسان به جایی می‌رسد که یک حشره کوچک را نمی‌تواند از خود دور کند. اطرافیان دورش را می‌گیرند و از او مراقبت می‌کنند و همه عمل‌ها از انسان ساقط می‌شود. چه عمل نیک باشد و چه بد باشد. این سرگذشت ۹۹ درصد از مردم است و فقط یک درصد از مردم موفق به انتخاب مرگ انتخابی و اختیاری می‌شوند. امام می‌فرمایند: حالا که این است و عالم به سمت خدا روان است، انا لله و انا الیه راجعون. پس بهتر است که انسان مرگ انتخابی را برگزیند اما معتقد است که برنامه اسلام از زمان وحی تا قیامت بر مبنای شهادت توأم با شهامت پایه‌گذاری شده است. امام شهادت را ارث اولیا برای بشریت می‌دانند. خوب این فضا و این درک را دشمنان ما ندارند.

این‌که بعضی‌ها کشور ما را تهدید می‌کنند من در این باره آخر جلسه صحبت می‌کنم اما یکی از دلایل ترس، عدم درک و فهم از فرهنگ درونی این جامعه است. این جامعه‌ای که شهدای آن با شوق به سمت شهادت پیش می‌روند و به تعبیر امام جامعه‌ای که شهادت دارد اسارت ندارد. من این شعر را در ختم بحث مربوط به شهید بخوانم. دشمن هم به مفاهیم آن توجه کند. خودمان هم توجه کنیم:

رقص و جولان بر سر میدان کنند	رقص اندر خون خود مردان کنند
چون رهند از دست خود دستی زنند	چون جهند از نقص خود رقصی کنند
مطربانشان از درون دف می‌زنند	بحرها در شورشان کف می‌زنند
تو نبینی لیک بهر گوششان	برگ‌ها بر شاخ‌ها هم کف‌زنان
تو نبینی برگ‌ها را کف زدن	گوش دل باید نه این گوش بدن

تا ببینی شهر جان با فروغ	گوش سر بر بند از هزل و دروغ
کس بگوید در نبی حق هو اذن	سر کشد گوش محمد در سخن
تازه زو ما مرضع است او ما صبی	سر به سر گوش است و چشم است این نبی
سوی اهل پیل و بر آغاز ران	این سخن پایان ندارد باز ران

### حس مغمومیت در انسان

یک نکته را به این جمع می‌گوییم. همه ما یا اغلب ما از این یک حس مشترک برخورداریم و آن حس مغمومیت است. مغمومیت یعنی وقتی انسان چیزی را از دست می‌دهد یا برای چیز ارزشمندی تلاش می‌کند اما قدرت وصول به آن را ندارد احساس مغمومیت می‌کند. مغمومیت در یک جایگاه منفی شکست افسردگی آور است اما این مغمومیت که من از آن حرف می‌زنم، نشاط آور است. این پیروزی آور است این معنویت آور است.

بعضی‌ها به من مراجعه می‌کنند در همین جلسه هم به من گفته‌اند که دعا کنید من شهید شوم و کمک کنید تا ما در این جبهه‌ها حضور پیدا کنیم، من را مدافع حرم کنید. من به شما می‌گویم: دعا کنید که خداوند این حال را در شما حفظ کند. اگر در انسان این حال حفظ شود و این حس از من محو نشود من در این مقام مغمومیت هم بمیرم مثل شهادت است. اما وای به حال انسان وقتی که این حس غم را، این حس باختن و از دست دادن را در اثر دنیا از دست بدهد او خاسر است. اما این مغمومیت معنویت به دنبال دارد. نکته آخر من در بحث شهید، جمله‌ای از مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی است که فرمود: «شهادت عظیم است، ارجمند است، ارزشمند است، همیشه عظیم و ارجمند است. اما در برهه‌های مختلف، ارزش آن بیش تر می‌شود.»

### منطق درست شهادت در دوره‌های مختلف زمانی

منطق شهادت در دوره‌های مختلف زمانی، یک منطق دقیق و درستی است. همه‌اش شهادت است اما شهادت در برهه‌هایی ارزش بسیار والاتری از یک دوره دیگر پیدا می‌کند. شما ببینید در صدر اسلام، اگر کسانی شهید نمی‌شدند نهال نوپای اسلام از بن کنده می‌شد. اگر امام حسین علیه السلام

و اهل بیت مطهرش و اصحاب گران قدرش به شهادت نمی‌رسیدند، آن میراث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یعنی اسلام ناب محمدی از دست می‌رفت.

شهادت در هر دوره‌ای با دوره دیگر متفاوت است. امروز در زمان ما به دلیل این که اسلام طلوع کرده است و هجمه دشمنان اسلام متوجه اسلام است، شهادت در این روز و امروز و در این فصل و این زمان، مهم‌تر از سیصد و چهارصد سال قبل است، چون یک هجمه بزرگی در اثر طلوع اسلام به اسلام صورت می‌گیرد. شما یک ظرف آب گوارایی را در نظر بگیرید. در هر حالتی یک ظرف آب گوارا ارزشمند است، اما وقتی ارزشمند هست که این ظرف آب نسبت به یک تشنه‌ای که یک دوره طولانی از تشنگی را به سر برده و در یک بیابان سوزانی قرار دارد، آب هم کمیاب است، بیمار هم هست، این ظرف آب خیلی ارزشمندتر و عظیم‌تر است. شهادت همین است. در زمان خودش، در فصل خودش، در وقت خودش متفاوت است.

امروز شهادت در این فصل خیلی عظمت دارد. لذا مقام معظم رهبری خطاب به خانواده‌های شهدای مدافع حرم فرمود: «من چشم امیدم به شهدای شما است.» خودش یک فصل بسیار مهمی دارد و ممکن است وارد موضوعات دیگری بشوم که مصلحت نباشد. وارد این مبحث نخواهم شد.

### تجربه‌های موفق دوران دفاع مقدس

نکته دوم عرایض من مربوط به همین تجربه موفق دوران دفاع مقدس است. خوب ما امروز جامعه‌مان به دلیل دستاوردهای ارزشمند ذی‌قیمتی که دارد مواجه با تهاجمات است. تحریم در همه دوره‌ها بوده است. در جنگ هشت ساله‌ای هم که در آن به سر بردیم، یک طرف مظهر نمایشگاه زرادخانه‌های جهان بود، یک طرف در تحریم محضی بود که موتور یک قایق معمولی ۱۲۵ هم، فروختن آن برای آن جبهه قاچاق بود. ولی ما در همان جبهه محروم برآن زرادخانه جهانی که هیچ طرف دنیا، نه شرقش نه غربش، خط قرمزی (هیچ امکانی) برای واگذاری نداشت و از ناجوانمردانه‌ترین سلاح‌ها و از بدترین شیوه‌های جنگی که یکی همین بمباران نماز جمعه شما بود، یکی همین شهادت شهید خوش لفظ بود که در اثر شیمیایی شدید بود. من خیلی در این جلسه می‌بینم شهدای شیمیایی را که این ماسک‌ها را به صورت دارند. دنیا سکوت کرد!

آن‌ها ناجوانمردانه از بدترین سمومی که در کشورهای اروپایی تولید می‌شد آن‌ها را به صدام دادند و صدام در جبهه ما آزمایش کرد. ما در این چنین جبهه نابرابر و ناجوانمردانه‌ای درمقابل خودمان، پیروز شدیم. ما خاک کشورمان را قهرمانانه و افتخارآمیز از دست دشمن خارج کردیم. او را شکست دادیم. هزاران اسیر از او گرفتیم. بعد او را تعقیب کردیم. برای این که او را تنبیه کنیم که برنگردد. او را وادار کردیم به قطعنامه‌هایی که مغرورانه نمی‌پذیرفت. یادمان نرود او دنبال چه می‌گشت. او دنبال تجزیه خاک ما بود. دشمن شکست خورد. خب ما در جامعه امروز، با چنین جنگ نابرابری مواجه هستیم. دشمن و دشمنان مختلف دیگری و متحدین آن‌ها و متلفین آن‌ها دارند از توانمندی‌هایشان علیه کشور ما استفاده می‌کنند.

### ایستادگی تنها راه مقابله با دشمنان

راهکار ما برای مقابله با این چیست؟ حتی آن کسانی که دیدگاه‌های سیاسی نیمه‌لیبرالی یا لیبرالی دارند، قبول ندارند که امروز مذاکره با دشمن غیر از تسلیم نتیجه دیگری دارد. همه قبول دارند. این امروز دارد تبدیل می‌شود به وحدت جامعه ما که امروز راه ما، راه ایستادگی است.

### مدیریت جامعه امروز

خب ما اگر این راه را انتخاب کرده‌ایم مهم‌ترین موضوعی که امروز در جامعه ما وجود دارد و باید به آن توجه کنیم موضوع مدیریت در جامعه است. من قصد طعنه زدن ندارم. دولت و همه دولت‌ها خدمتگذار هستند. هرکس به میزانی این کشور را به جلو برده است. اما این نکات مهم که برخاسته از تجربه‌های موفق ما در دوره‌های اول انقلاب و تا حدی میانه انقلاب و خصوصاً در دوره دفاع مقدس است، اگر مدنظر قرار بگیرد تأثیر بسیار شگفتی بر وضع جامعه ما دارد. ممکن است ما در مدیریت معجزه نکنیم اما می‌توانیم رضایتمندی، عدالت‌محوری و اخوت و برادری را و همراهی و همپایی و همزیستی و مثل هم بودن را در جامعه خودمان ایجاد کنیم.

### تأثیر فرهنگ شهادت بر مدیریت جامعه

چرا در جبهه و دفاع مقدس ما فرماندهان شهید ما قله بودند؟ این شهید بابایی، شهید مظاهری، شهید شهبازی، این شهید همدانی، شهید خرازی، شهید باکری، شهید متوسلیان، همت و دیگران

قله بودند. این که شما می‌بینید این قدر دامنه‌های این قله‌ها سرسبز شد پر از معنویت شد و امروز میلیون‌ها نفر به عنوان راهیان نور به جبهه می‌روند و جای پای آن‌ها را می‌بوسند، این حجم از عرفان حقیقی و تدین حقیقی در جامعه ما شکل گرفت و جامعه ما را دگرگون کرد، دلیلش آن قله‌های برافراشته بود. آن قله‌های برافراشته، این دامنه‌های سرسبز را به وجود آورد. مدیر، یک قله برافراشته است. مدیر، نقشش از یک منبر بالاتر است. جامعه به هر سمتی، چه به سمت صلاح یا به سمت غیر صلاح حرکت بکند، به مدیری در درون جامعه برمی‌گردد. حالا شما این جامعه را چه شورای یک دهی قرار بدهید چه شورای شهر قرار بدهید چه شورای اداری یک استان قرار بدهید چه شورای دیگری قرار بدهید چه شورای فرمانده سپاه قرار بدهید، این‌ها اثرگذارند این‌ها قله‌ها هستند. این‌ها دامنه‌ها را متأثر می‌کنند.

دینداری این‌ها، امانتداری این‌ها بر دینداری و امانتداری جامعه اثر دارد. ببینید چه عواملی باعث شد که در دوران دفاع مقدس، چنین زیبایی‌هایی جلوه‌گر شد و چنین جمع‌هایی از آن متأثر شدند. مشخصات این جمع‌ها چه بود؟ مشخصات این جمع‌ها همان عبارات آقا امیرالمؤمنین علیه السلام بود که فرمودند:

«این‌ها وقتی به هم می‌رسیدند يَتَوَاصِلُونَ بِالْوِلَايَةِ وَ يَتَلَقَوْنَ بِالْمُحَبَّةِ».

حلقه اتصال این‌ها خدا بود، محبت بود. نه حزب بود، نه گروه بود، نه جناح بود. اگر در جایی مدیری با چنین رویکردی الهی محور شد، خدامحور شد، او خودبین نیست. او خود را فراموش می‌کند. او خدابین است. او خادم می‌شود. این که امام فرمود: به من رهبر نگویید به من خادم بگویید بهتر است، اما - العیاذ بالله - غلو نمی‌کرد. انتظار امام از مدیریت در یک جامعه اسلامی این بود.

یک پدر ممکن است فقیر باشد. بچه‌هایش در درون خانه، فقر پدر را درک می‌کنند. اما این پدر را درکنار خودشان گرسنه می‌بینند، پدر را در کنار دیگری نمی‌بینند از گوشه‌ای بشقاب دیگری دارد کاسه دیگری دارد. او سیر است بچه‌ها گرسنه‌اند، این بچه‌ها با فقر پدر فقیر گرسنه خودشان که همه تلاشش را می‌کند، می‌ایستند، می‌گیرند اما تن به ذلت نمی‌دهند.

مدیر اثرش یک اثر جمعی است. مدیر رهبر یک جامعه است. نگوییم استاندار، استاندار شخص عادی نیست، امام جمعه محترم شخص عادی نیست، فرماندار شخص عادی نیست، فرمانده سپاه شخص عادی نیست. هر مسئولیتی، فرماندهی نیروی انتظامی شخص عادی نیست. اینها بر جامعه اثر دارند. اینها مدیرتشان عین مدیریت دفاع مقدس است. شهید باکری چگونه شهید شد؟ در کجا شهید شد؟ در کنار چند نفر شهید شد؟ خب وقتی در مدیریت نگاه این شد، آن وقت همه جامعه مثل جامعه دوران دفاع مقدس می شود و توجه اساسی می کند و معنویت در آن رونق پیدا می کند. مگر می شود مدیر یک جامعه ای، من به عنوان یک فرمانده، در درون جامعه ای فاقد معنویت باشم و انتظار داشته باشم جامعه معنویت داشته باشد؟ «الناس علی دین ملوکهم». مردم از رهبرانشان تبعیت می کنند تابعیت می کنند.

رهبران فقط رهبری در بالا نیست. همه سطوح ما در جامعه خودمان به نوعی نقش رهبری داریم. اگر می خواهیم جامعه ما یک جامعه مقاوم بشود، شرطش این است. مدیران باید متناسب با چنین جامعه ای باشند و بشوند. ما درگزینش مدیر- این مربوط به این دوره نیست، مربوط به همه دوره ها است، مربوط به این دولت نیست، مربوط به همه کانون هایمان است- اگر فقط توجهمان به یک موضوع باشد، خوب است. اولاً یک مشکل که در کشور وجود دارد، قابل تأمل است. حالا تعدادی نماینده مجلس هم حضور دارند، ارزش و اهمیت مسئولیت قدری خدشه دار شده است. آقا من فرمانده نیروی قدس هستم، من در کنار ولی فقیه در جایگاه مالک اشتر نشسته ام. مالک اشتر نیستم در جایگاه او نشسته ام. وقتی در مسأله مدیر گزینش نمی شود این ظلم به جامعه ما است.

## گودال فساد در انتخاب برخی مدیران

ما دو موضوع را معمولاً مبنا قرار می دهیم و این دو موضوع هیچ کدامش در دفاع مقدس نبود. شما سراغ ندارد در دفاع مقدس برای مسئولیت های خونین، کسی سؤال بکند در چه خطی هستی؟ چپی هستی یا راستی؟ اصلاح طلب هستی یا اصول گرا؟ کسی به این توجه نمی کرد. به لیاقت ها نگاه می کردند به قابلیت ها نگاه می کردند، به تطبیق فرد با مسئولیت نگاه می کردند، به امتحان داده ها نگاه می کردند. این مال من است، این دوست من است، این از من تعریف کرده است، این با من بوده



است، این مال حزب من بوده است، این فسادآور است. چرا؟ گودال فساد درست می‌شود؟ گودال فساد اساسش این است که نگاه جناحی و حزبی در انتخاب مدیران کردن. خب دلیلش این می‌شود وقتی شما به یک مدیری آمدید اعتراض کردید او برای خودش پوششی، ساتری، منطقه امنی درست می‌کند. بلافاصله برخورد با خودش را برخورد با جناح، برخورد با یک گروه، برخورد با یک شخصیت در حزبی نسبت می‌دهد. ارزیابی‌ها هم همین می‌شود.

## ارزش علم قابل تطبیق با عمل

نکته دوم مسأله مدرک است که چیز مهمی است. اما مدرک و علمی ارزشمند است که قابل تطبیق با عمل باشد. من دارای لیسانس مهندسی کشاورزی باشم ولی فرق بین درخت هلو و آلبالو را از هم نتوانم تشخیص بدهم! مدیر باید در بحران‌ها مبتکر باشد. امام در شدیدترین بحران‌ها بزرگ‌ترین پیروزی‌ها را به دست آورد. امروز، رهبر ما که این قدر در قلعه اطمینان نشسته و با اطمینان سخن می‌گوید، غیر از توکلش به خدا و اطمینانش به خداوند تعالی و تبارک، اساس موضوع این است که خواهران من، برادران من و عزیزان من، در دل بحران‌ها مهم‌ترین فرصت‌ها وجود دارد.

## ویژگی‌های یک مدیر در جامعه اسلامی

شما ببینید که انقلاب ما چه موقع به پیروزی رسید؟ انقلاب ما وقتی پیروزی رسید که همه انقلابی‌ها، از مسلح و غیر مسلح، از چپ و راست، همه را ساواک و نظام شاهنشاهی متلاشی کرد. امام از دل این ناامیدی، بزرگ‌ترین امید پیروزی را به دست آورد، ایجاد کرد و خلق کرد. این، مدیریت است. من فرمانده اگر در بحران ترسیدم، جا خوردم و فرار کردم، چه می‌شود؟ لشکر من متلاشی می‌شود و جبهه من فرو می‌ریزد. مدیر باید خلاق باشد. بودجه کشور بیاید این‌جا و من این‌جا بنشینم، نمی‌خواهم به این‌جا جسارت کنم و مربوط به این‌جا و این دوره نیست. حرف غلطی به جایی جسارت نکنم! من دوره انقلاب را در ابعاد گوناگون می‌گویم، چه اصول‌گرا و چه اصلاح‌طلب. هر دو در این موضوع به نوعی مقصر هستند. این که من این‌جا بنشینم و بگویم، من فرماندار و بخش هستم، یک پولی می‌آید، اگر پول آمد من مدیر هستم و اگر پول نیامد من بیکار هستم و من پشت میز می‌نشینم. این، مدیریت نیست. مدیر باید خلاق و نوآور و مبتکر باشد. از دل بحران، خلاقیت ایجاد کند. بحران

را دور بزند و سرکوب کند و به ضد بحران تبدیل کند. این امر در دوران انقلاب و دوران گوناگونی اتفاق افتاد.

ما در دوره‌های مختلفی، سال‌های ۶۰ و ۶۱، بزرگانی که در این جلسه هستند می‌دانند؛ من شنیدم یک روزی در جنگ شنیدم، بعد از شهادت شهید رجایی و شهید باهنر، چه کسی نماز را در جامعه ما ترویج کرد؟ چه کسی علما پشت سرش نماز می‌خواندند؟ این عکس شهید رجایی را ببینید. علمای بزرگی در صف پشت سر او ایستادند. او عالم دین نبود بلکه یک انسان عادی بود. اما وارسته، برجسته و خودخواسته بود. او گفته بود که ما سه روز گندم در سیلوهای خودمان برای کشور داریم، کشور این بحران‌ها را پشت سر گذاشته است. نفت ۱۰ و ۱۱ دلار را (آقای مفتاح بیشتر در بخش اقتصاد هستند) این‌طوری ما فروختیم. در دوره جنگ، در بدترین شرایط انقلابمان، تجربه‌های موفق داریم. مدیران تأثیرشان تأثیر اساسی است.

### **ضرورت وحدت در جامعه براساس ولایت فقیه**

نکته دیگر من این است که وحدت جامعه چگونه حاصل می‌شود؟ اولاً من به برادران عزیز جوان خودمان می‌گویم که کاری ندارم کسی حرف مرا قبول دارد یا خیر. ما بعضی از اصول برایمان مهم هستند و بعضی نیستند بلکه فروع هستند. حفظ جناح فرع است و اصل ولی فقیه است. اصل جمهوری اسلامی است. اصل نظام اسلامی است. این‌جا جایی است که اگر به خطر افتاد، اگر کسی با آن مواجه شد، ما با جانمان مواجه می‌شویم. آدم‌ها آدم هستند و می‌روند. قاسم سلیمانی می‌رود و قاسم سلیمانی جدید می‌آید. احزاب و جریان‌ها اصل نیستند بلکه اصول را توجه کنیم. اگر می‌خواهیم به وحدت حقیقی برسیم، باید جامعه را در همه سطوح به اصول متوجه کنیم. اصول این‌ها هستند. اصول خیلی طول و عرض گسترده‌ای ندارد و همین چندتا است. اصل اساسی نگه‌دارنده این نظام، ولی فقیه است. این برای ما مثل قرآن ناطق است. با جانمان و خونمان در همه آحادمان دفاع می‌کنیم، جانمان را هزاران بار می‌دهیم. امروز، برای ما، اصل نظام است.

این نظامی که صدها سال در درون کتاب‌ها نهفته بود. اما با هنر و شجاعت خودش از دل کتاب‌ها بیرون آورد. کاری که هیچ عالمی در عالم اسلام، نه شیعه و نه سنی، نتوانست بکند. یک نظام را به

عنوان جمهوری اسلامی تأسیس کرد. با هیچ نظامی قابل مقایسه نیست. دقت کنید و تعمق کنید. این که امام فرمودند: حفظ این نظام از نماز واجب تر است، دلیلش همین است.

## ارزش‌ها و اصول حاکم بر نظام اسلامی

نکته سوم ارزش‌ها و اصول حاکم بر این نظام است. یکی از آن‌ها قانون اساسی است. مدیر تعلقش به این اصول باید بالاتر از همه آحاد مردم باشد. اگر من امروز در این جا فرمانده نیروی قدس بودم، باید در این ابعاد از تمام افراد تحت امر خودم، باید بالاتر، متعصب تر و مدافع تر باشم، فداکارتر باشم. اگر من به عنوان مدیر و مسئول در این سازمان، نسبت به این اصول کم‌اعتقادتر و بی‌اعتقاد باشم، این جامعه تحت امر خودم را به ناکجاآباد می‌برم.

هر چه ما مقصد را عالی تر بکنیم، انسجام در جامعه ما بیش تر می‌شود. مقاصد پست را در نظر نگیریم بلکه مقاصد عالی را در نظر بگیریم. در مقاصد عالی، مردم انسجام پیدا می‌کنند. قلب‌های مردم به آن سمت حرکت می‌کند. بنابراین امروز اگر می‌خواهیم جامعه ما در این هجمه‌هایی که وجود دارد، مثل همه دوره‌های گذشته، سربلند و پیروزمندانانه تر بیرون برود که خواهد شد به لطف خداوند، شرطش این است که ما به این اصول که در دفاع مقدس و در دوره انقلاب و در بخشی از انقلاب و در بخشی از مدیران انقلاب امروزمان، همین امروز در جامعه خودمان، وزرا، استانداران، فرمانداران و فرماندهان مخلص در سطوح گوناگونی وجود دارد. اما ملاک‌های مهم و اساسی است.

## پاسخ ترامپ قمارباز

من یک نکته دیگری هم دارم. رئیس جمهور عزیز و ارزشمند ما کلمات خیلی ذی‌قیمتی که برخواسته از قلب و وجدان وجود ملت ایران بود، بر زبان جاری کردند که خیلی مهم بودند و خیلی مهم هستند. من می‌دانم که در کشور، کسانی هستند که به نوعی تحرک می‌کنند تا این نوع بیانات را ضعیف کنند و بر علیه این نوع بیانات گفتاری داشته باشند که این غلط است. این نوع بیانات به جامعه ما در قبال عملیات روانی دشمن، جسارت و انسجام و شجاعت و وحدت می‌دهد. جامعه ما را شجاع می‌کند. شما ببینید که با جامعه شاه‌زده چگونه عمل کرد؟ یکی از اثرات تربیتی مسئولین که مهم‌ترین اصل در اصل تربیتی است، اصل القایی و تربیت القایی است. تربیت القایی خیلی تأثیر

دارد. جبهه یکی از اثرات تربیتی آن، اثرات القایی بود. فرد می‌دید و اثر می‌گذاشت و متأثر می‌شد. خیلی خاطرات ذی‌قیمتی در این موضوع دارم که بیان کنم ولی وقت گذشته است. این بیانات شجاعانه و قابل افتخار رئیس جمهور محترم ما بر همه جامعه ما اثر گذاشت. هرکس بخواهد این‌ها را تضعیف کند و این روش و بیان را تضعیف کند؛ او خیانت می‌کند. اما رئیس جمهور امریکا، در جواب فرمایشات رئیس جمهور، مطالب سخیفی را در توثیت خود بیان کرد. این شأن رئیس جمهور کشور بزرگ اسلامی ایران نیست که به او جواب بدهد. من به عنوان سرباز این ملت به او جواب می‌دهم. تو ما را تهدید می‌کنی به این‌که اقدامی انجام می‌دهی که در دنیا سابقه ندارد. اولاً به رغم این‌که یک سال و نیم، قریب به بیش از یک سال، از ریاست جمهوری این شخص در امریکا می‌گذرد ولی هنوز ادبیات ترامپ همان ادبیات قمارخانه است و ادبیات کاباره است. با ادبیات کاباره‌چی و کسی که اداره‌کننده قمارخانه است با جهان حرف می‌زند. وقتی با چین حرف می‌زند، وقتی با روسیه حرف می‌زند، وقتی با اروپا حرف می‌زند و وقتی با جهان حرف می‌زند، آدمی احساس می‌کند که یک قمارباز دارد حرف می‌زند. این شأن یک ملت را شکستن است. شما می‌گویید که کاری می‌کنم که سابقه نداشته باشد. من سؤال می‌کنم، تو که سابقه نداری و به دلیل این‌که فکرت مشغول چیزهای دیگری است، اجازه پرسیدن هم نمی‌دهی. از پیشینیان، فرمانداران نظامی، سیاستمداران امریکا، رؤسای سازمان‌های امنیتی امریکا، ک. گ. ب و سازمان سیا بپرسید. بپرس حرف‌های نادانسته را بر زبان جاری نکن. شما چه می‌توانستید بکنید که در طول این ۲۰ سال نکرديد؟

شما با ۱۱۰ هزار سرباز و هزاران دستگاه تانک و نفربر و امکانات نظامی و صدها فروند هواپیمای جنگی و صدها هلی‌کوپترهای پیشرفته، آمدید به یک سازمان کم‌بینه که از سلاح ابتدایی برخوردار بود (آن هم بعد از آن حادثه سنگین ۱۱ سپتامبر) به افغانستان حمله کردید و این جنایات را انجام دادید. از هیچ جنایتی فروگذار نکردید. عروسی‌ها را تبدیل به عزا کردید. روستاها را با خاک یکسان کردید. بیش از ۶۰ درصد کشته‌های شما مردم عادی این کشور بودند و هستند.

شما بعد از ۲۰۰۱ که الان ۲۰۱۸ است، ۱۷ سال با ۱۱۰ هزار سرباز و دنیا را با خودتان بسیج کردید و اعلام کردید که هرکس با ماست، با ماست و هرکه با ما نیست، با تروریسم است، چه غلطی کردید؟ مگر نه این که امروز دارید پیش طالبان برای صلح و گفتگو التماس می‌کنید؟ غیر از این است؟ غیر از این است که دولت پاکستان و افغانستان را برای مذاکرات صلح تحت فشار قرار دادید؟ این یک سازمان است و شما با یک سازمانی که همه این کشور نبود و جزبی از یک کشور افغانستان است که یک کشور فقیری بود، چه غلطی کردید که امروز برای ما خط و نشان می‌کشید؟ شما با ۱۶۰ هزار سرباز و چند برابر آن چیزی که در افغانستان استفاده کردید، مغرورانه از حوادث افغانستان به عراق حمله کردید. در ۲۰۱۱ چه اتفاقی افتاد؟

بپرسید از فرمانده وقت خودتان که چه کسی را به ایران به پیش من فرستادید. سرباز یک کشور و نه رئیس جمهور یک کشور! آمد و گفت که آیا می‌شود به ما مهلت بدهید و از نفوذ خود استفاده کنید، سربازان ما این چند روز مورد حمله مجاهدین عراق قرار نگیرند تا ما از عراق خارج بشویم. شما یادتان رفته است که برای سربازان درون تانک‌ها پوشاک بزرگسالان تهیه می‌کردید؟ امروز کشور ما را تهدید می‌کنید؟ با چه پیشینه‌ای تهدید می‌کنید؟ شما جنایتی بود که انجام نداده باشید؟ وحشتناک‌ترین جنایاتی که در قرون وسطی نمونه داشت، شما در عراق انجام دادید. شما با تانک وارد خانه‌های مردم شدید و زن و بچه‌های مردم را زیر گرفتید. حادثه زندان ابوغریب تا ابد ننگ شما است. شما ملت ایران را تهدید می‌کنید؟

شما در جنگ ۳۳ روزه، پشت این دو تا کشوری که مثل وزنه‌ای به شما آویزان هستند ایستادید. این کشور قلابی و سازمان قلابی، رژیم صهیونیستی اسرائیل که مثل وزنه‌ای به پاهای شما آویزان است، شما را در منطقه به زیر آب کشانده و غرق کرده است. در شهر کوچکی چون غزه، جنایات گوناگونی انجام دادید. جنگ‌های متفاوتی انجام دادید. شما چه غلطی توانستید بکنید؟ غیر از این است که همه شرایط حزب الله را در جنگ ۳۳ روزه پذیرفتید؟ غیر از این است که همه شرایط فلسطینی‌ها، از حماس تا جهاد و دیگر گروه‌های فلسطینی، در جنگ‌های فلسطینی در غزه را پذیرفتید؟ شما یک جنگ با پشتوانه ۲ هزار میلیارد دلاری را علیه یمن راه انداختید با این دو

کشوری که این‌ها هم مثل دو وزنه بی‌خاصیت به امریکا آویزان هستند و او را به زیر آب می‌کشند (سعودی و امارات)، یک جنگ ناجوانمردانه را در یمن انجام داد. یک سازمان در مقابل شما است. شما همه امکانات فنی خودتان، هواپیماهای بدون سرنشین خودتان، بیش از ۲۸۰۰ دستگاه مهم‌ترین تانک‌های دنیا (لئوپارد آلمان، آبرامز امریکا، T90 روسیه، چلنجر انگلیس)، هواپیماهای F16، F15 و تورنادو و همه هلی‌کوپترها و پهبادهای مدرن را که در اختیار دارید، بدون خط قرمز در اختیار عربستان قرار دادید ولی جنگ ۴۰ روزه، ۴ سال را پشت سر می‌گذارید. جز جنایت، کودک‌کشی، زن‌کشی، حمله به خانه‌های مردم چه چیزی را به دست آوردید؟ دریای سرخ را که دریای امنی بودید را تبدیل به دریای نا امن کردید. ریاض و عربستان را که صد سال یک خمپاره در آن شلیک نشده بود، امروز در زیر آتش قرار دادید. شما برای ما خط و نشان می‌کشید؟ ایران نمی‌خواهد، نیروهای مسلح ایران نمی‌خواهد، بلکه من حریف شما هستم. نیروی قدس حریف شماست. بدانید اشهد بالله، هیچ شبی نیست که ما نخوابیم و به شما فکر نکنیم. به شما می‌گوییم، آقای ترامپ قمارباز، من به شما می‌گویم: بدان که در آن جایی که فکر نمی‌کنی، ما در نزدیک شما هستیم. در هر کجا که تصور نمی‌کنی، ما در کنار شما هستیم. ما ملت شهادتیم. ما ملت امام حسینیم. بپرس. ما حوادث سختی را پشت سر گذاشتیم. بیا که ما منتظر هستیم. مرد این میدان برای شما ما هستیم. شما می‌دانید که این جنگ یعنی نابودی همه امکانات شما. این جنگ را شما شروع می‌کنید ولی پایانش را ما ترسیم می‌کنیم. بنابراین نباید به ملت ایران اهانت کنید و نباید به رئیس‌جمهور ما اهانت کنید. از پیشینیان خود بپرسید. از تجربه آنان بهره ببرید. یقیناً در داخل امریکا هستند، مؤسسات مطالعات فراوانی هستند که این‌ها را مطالعه می‌کنند و به او گوشزد و یادآوری می‌کنند. ما را تهدید به کشتن نکنید. همین شعری که خواندم مصداق ما است.

تو مکن تهدید از کشتن که من      تشنه زارم به خون خویشتن

ما تشنه به این هستیم. ما را تهدید می‌کنید؟ قبلاً امریکا یک ابهتی داشت و در دنیا حرکت می‌کرد، ناو یک کشوری سقوط می‌کرد. امروزه شما به این زباله‌های بیرون‌ریخته ملت ایران، منافقین و ضد انقلاب‌های ایران، دل بستید. امریکا این است؟ این دختر ولگرد را تلویزیون به تلویزیون می‌چرخانید،

امیدتان به این است؟ این همه توان شماست؟ اشتباه بزرگی می‌کنید. می‌دانید قدرت ما در منطقه، قدرت ما در جنگ نامتقارن چگونه است.

خدا را قسم به محمد و آل محمد می‌دهم، در این مجلسی که ارواح مطهر شهدا بر آن حاکم است، کشور، رهبر، ملت و سرزمین ما را در کنف عنایت خود حفظ بفرماید. خدایا! خدمتگذاران به این ملت را توفیق خدمت پیش از بیش عطا بفرما. خدایا! دل‌های ما را به هم نزدیک کن و رهبر ما را برای ما حفظ کن. شهدای ما را در جوار رحمتت قرار بده. پدر و مادرانشان را صبر عطا بفرما. والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته